



مجموعه مستند بچه زرنک قصد دارد در هشت قسمت تلاش‌ها و رشادت‌های مدافعان حرم را به تصویر بکشد، کسانی که به رغم مناسب نبودن شرایط برای اعزام به سوریه می‌روند و برای دفاع از حرم اهل بیت از جان خود می‌گذرند. این هشت شهید والامقام با حضور در گردان فاطمیون به عنوان مدافع حرم از افغانستان وارد سوریه شده و در نهایت در سوریه به درجه رفیع شهادت نائل می‌شوند

بچه زرنک‌ها



مصطفی پورکیانی
روزنامه‌نگار

مجموعه تلویزیونی «بچه زرنک» به تهیه‌کنندگی ابوالفضل حاجتمند به بهانه سومین سالگرد شهادت سردار سلیمانی در هشت قسمت در قالب مستند درام (داکیودرام) به آنتن شبکه دوم سیما رسید و با چند روز فاصله از شبکه تماشا نیز مهمان مخاطبان جعبه جادویی شد که بازخوردها نشان می‌دهد مورد استقبال تماشاگران قرار گرفته است. مینی سریال بچه زرنک به کارگردانی مشترک محمد مهدی خالقی، داوود مرادیان، جواد علیزاده و حسین امانی و نویسندگی عباس هادیان ساخته شده است. فرم این سریال در قالب داکیودرام تولید شده است؛ «درام مستند» ژانری است که در آن موضوعات واقعی به شیوه نمایشی بازسازی می‌شود و در این کار تلاش شده تا بخش از واقعیت‌های زندگی این شهدا در قالب تصویر نقش ببندد.

این مجموعه به زندگینامه و نحوه شهادت هشت نفر از شهدای مدافع حرم در سوریه می‌پردازد. حسن قاسمی دانا، مصطفی و مجتبی بختی، علی اکبر زوار، مرتضی عطایی، حسین محرابی، مصطفی عارفی، محمد جاودانی و محمدرضا سنجرانی رزمندگان مدافع حرم مشهدهای بودند که همه با روشی متفاوت به مناطق عملیاتی سوریه و عراق اعزام شده و در نهایت به شهادت رسیدند. آنها همه خود را افغانستانی جا می‌زنند تا از طریق تیپ فاطمیون به سوریه اعزام شوند و دلیل نامگذاری این مجموعه نیز به همین زرنک بازی‌ها و توصیفات حاج قاسم از آنها اشاره دارد؛ «می‌دونید که صدای سید ابراهیم خیلی مردونه بود. من از پشت بی سیم سید ابراهیم رونمی شناختم. گفتم این کیه؟ این جوان تهرونی از کجا اومده و توی فاطمیون جا گرفته؟ چون راه نمی‌دادیم این جوان بیاید، رفت مشهد و در قالب فاطمیون به اسم افغانستانی ثبت نام کرد و خودشو رسوند اینجا. زرنک به این



از امام رضا (ع) خواستم که ف



سید حسین سید صالحی که در سریال بچه زرنک نقش شهید حسین محرابی را در قسمت سوم بازی کرده بود در گفت‌وگو با خبرنگار جام جم در خصوص بازی در این سریال گفت: من بیشتر این شهید را سر خود پروژه حس کردم، فهمیدم و با او ارتباط برقرار کردم. بیشتر در پروژه‌های دیگری نقش‌های شهدا را بازی کرده بود ولی نمی‌دانم که این شهید چه ویژگی خاصی داشت که هنوز صحبت کردن درباره او برایم سخت و دشوار است؛ با همه آشنایی که با شخصیت و فعالیت‌های این شهید بزرگوار پیدا کردم ولی هنوز می‌توانم اقرار کنم که با درصد اندکی از روحیه و شخصیت شهید محرابی آشنا شدم و اسم و نام این شهید در ادامه قطعا برای من علاوه بر خیر و برکتی که در زندگی به همراه دارد، مسئولیت سنگینی بر دوش من گذاشته است. من به واقع در روزهای آخر فیلمبرداری، حضور شهید را سر پروژه احساس می‌کردم.

بازی کردن نقش شهید سختی‌های خاص خودش را دارد و اصطلاحا بازی روی لبه تیغ است؛ چون اگر بازی شما خوب نشود، برای نام شهید وجهه خوبی ندارد و اگر هم خوب از کار در بیاید، سنگینی نام شهید برای شما مسئولیت به همراه دارد و شما باید از آن مراقبت کنید، به همین

از بازی مادر شهید، شگفت‌زده شدم



و کار دیده شده است.

همراهی خانواده شهید به عنوان بازیگر، قطعا برکات زیادی برای ما به همراه داشت؛ البته من به عنوان کارگردان شاید ترجیح این باشد که با بازیگران حرفه‌ای کار کنم اما چون فرم کار مستند داکیودرام بود، حضور هنروران و نابازیگران با هدایت درست کارگردان لطمه‌ای به کار وارد نمی‌کرد؛ البته پدر و مادر شهید عارفی صرفا در یک سکانس حضور پیدا کردند و آن قسمت با حضور بازیگران جلو رفت اما برای قسمت شهید جاودانی، من به واسطه آشنایی با خانواده شهید، از مادرش خواستم تا اگر امکان دارد جلوی دوربین ما بیاید و نقش خودش را بازی کند و چون معمولا خانواده شهدا و مذهبی‌ها نسبت به بازیگری یک گارد و حجابی دارند، در کمال تعجب دیدم که مادر شهید گفت که من هر کاری برای فرزند شهیدم انجام می‌دهم و قبول کرد که این نقش را بازی کند و در ادامه همه ما از شیوه بازی او شگفت‌زده شدیم؛ آن قدر خوب بازی می‌کرد که ما همه سکانس‌های مربوط به مادر شهید را تک برداشت گرفتیم و ایشان مانند یک بازیگر حرفه‌ای در ۴-۵ سکانس نقش آفرینی کردند.

زیادی در کشور هستند که پتانسیل تولید سریال و فیلم سینمایی را دارند و خوشحالم که مدیران راضی شدند تا همه این کار در مشهد ضبط شود و به پخش برسد. شهید محمد جاودانی از رفقای دورتر من بود و اصلا از بچه‌های پایگاه بسیج خودمان بود و بارها با او گپ و گفت داشتیم و بیشتر هم به دنبال این بودم که برایش کاری تولید کنم که این پیشنهاد شد تا اسم محمد را بین شهدا دیدم، از تهیه‌کننده خواستم که این قسمت را من کارگردانی کنم؛ شهید عارفی را نیز می‌شناختم ولی با هم برخوردی نداشتیم، با وجود این قلبی و دلی به او ارادت داشتم و نتیجه این شد که این دو قسمت برای کارگردانی به من رسید. به اعتقاد من بچه زرنک یک سرفصل جدیدی در سریال‌سازی برای تلویزیون بود؛ البته من هنوز بازخوردهای مخاطبان را برای این کار ندیدم ولی تا آنجایی که اطلاع دارم گویا در مشهد از این کار استقبال خوبی شده

محمد مهدی خالقی یکی از چهار کارگردانی است که در این کار حضور داشته و دو قسمت مربوط به شهید عارفی و جاودانی را کارگردانی کرده است. وی در خصوص حضور خود در این پروژه به خبرنگار جام جم می‌گوید: از سال اول جنگ سوریه مستندهای فراوانی با موضوع مدافعان حرم ساختم و به نوعی گاو پیشونی سفید این ماجرا هستم. یکی از این مستندها به نام «فرماندهان فاطمیون» بود که سال ۹۴ تولید و از شبکه افق پخش شد و همه این تجربه‌ها باعث شد تا به این کار دعوت شوم. صرف این که ساکن مشهد هم بودم و باعث شد تا کار سرعت بیشتری به خود بگیرد.

روز اولی که به دفتر آقای حاجتمند رفتم، چند قسمت این کار نوشته شده بود و از همان ابتدا تصمیم گرفته شده بود که این کار با فرم داکیودرام تولید شود و من هم چون با این شیوه و قالب علاقه زیادی داشتم، پذیرفتم که این کار انجام شود؛ من پیشتر به بیشتر مدیران تلویزیون گفته بودم که به جز تهران، شهرهای

